



The outline of the movement of Prophet David (pbuh) in the Qur'an and the Old Testament

Yaser Abouzadeh Gatabi ^{a*}, khavas Amir^b

^a Doctor of Religions and Mysticism, Qom, Iran y.a.g@chmail.ir

^b Associate Professor at the Department of theology , Imam Khomeini Educational and Research Institute , Qom, Iran khavas@iki.ac.ir

KEYWORDS

david
old Testament
holy quran
prophet
god's messiah
overnment

ABSTRACT

There are two faces and descriptions of Prophet David's personality in the Old Testament that are not compatible with each other, one is a servant of God and obedient to him, and the other is a sinful and rebellious face before the Prophet of Truth. Although the Old Testament mentions him as one of the important kings of Judaism, the Holy Qur'an places him among the prophets who also achieved the position of caliphate and apparent kingship. Based on the descriptive-analytical method, this research tries to explain the character traits and characteristics of His Holiness' rule in the two texts of the Old Testament and the Holy Qur'an based on the library documents after his introduction, and by stating the commonalities and differences, To introduce and explain the prominent features of that Prophet in the Quran. Among the most important findings of the research, we can point to the fact that Prophet David was the Messiah in the Old Testament, his infallibility in the view of the Qur'an, many miracles and the divine nature of his rule in two documents..

* Corresponding author E-mail address: y.a.g@chmail.ir

DOR: 20.1001.1.29810841.1402.1.1.5.2

Received: 2023/4/29 ; Received in revised form: 2023/4/8; Accepted: 2023/3/12

Article type: scientific research paper

©Author





طرح کلی حرکت حضرت داود (علیه السلام) در قرآن و عهد عتیق

یاسرابوزاده گتابی^{الف*}، امیرخوای^ب

^{الف} دکتری ادیان و عرفان، قم، ایران y.a.g@chmail.ir

^ب دانشیار گروه کلام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران khavas@iki.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>دو چهره و توصیف از شخصیت حضرت داود، در عهد عتیق وجود دارد که با هم سازگار نیستند، یکی بنده خدا و مطیع او و دیگری چهره‌ای گناهکار و سرکش در برابر حضرت حق. گرچه از او به‌عنوان یکی پادشاهان مهم یهودیت یاد می‌شود، قرآن کریم او را در زمره انبیائی قرار می‌دهد که به مقام خلافت و پادشاهی ظاهری نیز دست یافت. این پژوهش درصدد است تا بر مبنای اسناد کتابخانه‌ای پس از معرفی ایشان، به تبیین ویژگی‌های شخصیتی و شاخصه‌های حکومت آن حضرت در دو متن عهد عتیق و قرآن کریم پرداخته و بایان اشتراکات و تفاوت‌ها، ویژگی‌های برجسته آن حضرت در قرآن را معرفی و تبیین کند. از مهم‌ترین یافته‌های تحقیق می‌توان، به مسیحا بودن حضرت داود در عهد عتیق، عصمت او در دیدگاه قرآن، معجزات فراوان و الهی بودن حکومت ایشان در دو سند اشاره نمود.</p>	<p>حضرت داود عهد عتیق قرآن کریم نبی مسیح الهی حکومت</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۹</p>

۱. مقدمه

در ادبیات ادیان مختلف از شخصیت‌های مهمی نام برده می‌شود که نقشی حیاتی در پیشبرد اهداف دینی بر عهده داشته‌اند. به‌طورقطع در میان ادیان الهی این رسالت مهم، یعنی حاکمیت دین خدامحور، بر عهده انبیاء و اولیای الهی بوده است. دو آیین اسلام و یهودیت که از آنان با عنوان ادیان ابراهیمی نام برده می‌شود، در این طیف قرار داشته و باور به انبیاء و رسالت آنان جهت اقامه و استقرار حاکمیت دین در جامعه، در این دو آیین برجسته است. گرچه در تاریخ یهودیت در رابطه با انبیاء فرازوفرودهای زیادی وجود دارد - به‌گونه‌ای که در برخی از قطعات تاریخ فترتی روی می‌دهد و کانه زمین از حجت خدا خالی می‌شود، یا اینکه از برخی از شخصیت‌های مهم تاریخ یهودیت با عنوان پادشاه و نه نبی یاد می‌شود، یا اینکه توجه کمتری به برخی از انبیاء صورت می‌گیرد و یا اینکه قبایحی به دسته‌ای از انبیاء نسبت داده می‌شود- لیکن در نگاه دین مبین اسلام میان همه انبیاء به‌عنوان پیام‌آور خدامحوری، وحدت رویه وجود دارد و تنها تفاوت آنان در نوع وظیفه، شأن و رتبه معنوی آنان است.

یکی از شخصیت‌هایی که هم در قرآن کریم و هم در عهد عتیق از او یاد شده است، حضرت داود علیه‌السلام است. این مقاله با اتخاذ روشی توصیفی تحلیلی و بر مبنای اسناد کتابخانه‌ای، به دنبال بررسی این نکته است که سهم حضرت داود علیه‌السلام را در جریان کلی حرکت انبیاء - یعنی حاکمیت و استقرار دین- موردبررسی قرار داده و نوع رفتار حضرت داود را در این پروسه

تبیین نماید. بدین معنا که آیا حضرت داود در تحقق این حرکت کلی صرفاً نقشی مبلغ‌گونه داشته‌اند و یا اینکه با بسط یدی که به‌واسطه تشکیل حکومت برای آن حضرت ایجاد شد، نقشی متمایز از سایر انبیاء - حتی نسبت به حضرت موسی علیه‌السلام به‌عنوان بزرگ‌ترین پیامبر آیین یهودیت - بر عهده داشته‌اند. با توجه به اینکه تاکنون تحقیق درخوری در این رابطه صورت نگرفته است، پاسخ به این مسئله مهم‌ترین نکته‌ای است که این نوشتار در پی ترسیم آن است.

۲. حضرت داود در عهد عتیق

حضرت داود علیه‌السلام هشتمین فرزند از خانواده فردی به نام یسی است که در بیت لحم دیده به جهان گشود (اول سموئیل ۱۷: ۱۲) (Slavice, 2009, p 31; Ben-Nun, 2015, p 10). بر مبنای نسب‌نامه‌ای که در روت ۴: ۱۸-۲۲ ذکر شده است، نسب حضرت داود به یهودا (پیدایش ۴۶: ۱۲) و از طریق یهودا، به یعقوب و درنهایت به ابراهیم برمی‌گردد (Kolberg, 2010, p 255-256). از این‌رو حضرت داود، بنا بر گزارش عهد عتیق، یکی از نوادگان حضرت ابراهیم علیه‌السلام هست. تنها سند تاریخی که به سرگذشت حضرت داود اشاره می‌کند عهد عتیق است و در هیچ منبع تاریخی متعلق به آن دوره نامی از او نیامده است (McKenzie, 2006; McCarter, 1986). داستان زندگی ایشان از کتاب اول سموئیل ۱۶: ۱ آغاز شده و تا پایان دوم سموئیل ۵: ۵ ادامه یافته و کتاب اول پادشاهان دو باب (۱: ۱ تا ۲: ۱۱) به‌اختصار به بیان رویدادهای زندگی او می‌پردازند. باب‌های ۱۰ الی ۲۹ اول تواریخ ایام نیز به بیان سرگذشت حضرت داود می‌پردازد.

تشخیص اینکه شخصیت حضرت داود در عهد عتیق چگونه است، بسیار دشوار است. در اینکه حضرت داود پادشاه بوده است و یا پیامبر، عمده منابع مرتبط با ایشان، از تعبیر «شخصیتی پیچیده و متناقض» استفاده نموده‌اند (Smith, 1993; Wright, 2014, p 13). گرچه قاطبه مباحث عهد عتیق درباره حضرت داود علیه‌السلام، حاکی از پادشاه بودن اوست، و شاخصه‌های انبیای عهد عتیق، همانند انجام معجزه، را نمی‌توان به‌صراحت به ایشان نسب داد، دلایل چندی نیز وجود دارد شخصیتی فراتر از یک پادشاه برای داود ترسیم می‌کند:

اولاً؛ کتاب اول تواریخ ایام - به‌عنوان یکی از متون مرجع درباره حضرت داود علیه‌السلام - عاری از هرگونه تصویری است که باعث لکه‌دار شدن شخصیت او می‌گردد. او را به‌عنوان پادشاهی مسح شده بر تمامی اسباط بنی‌اسرائیل معرفی می‌کند. البته برخی با اشاره به ماجرای سرشماری ذکر شده در اول تواریخ ۲۱: ۱-۳۰ که درنهایت به مرگ عده‌ای منجر شد، به‌عنوان حرکتی منفی در حکومت داود یاد می‌کنند. در حالیکه دسته مقابل، این اقدام داود را نشانه‌ای از مدیریت دقیق او بر جامعه یاد می‌کنند. چراکه هدف داود از سرشماری، تأمین سرباز و مدیریت در اخذ مالیات بوده است.

ثانیاً؛ داود عهد عتیق، مسح شده خداوند است برخلاف شائول. زیرا شائول، بر مبنای درخواست مردم به مقام پادشاهی رسید. پس‌ازآنکه مردم مشاهده نمودند که از طرفی سموئیل پیر و فرتوت شده و از طرف دیگر فرزندان او از مسیر حق منحرف شده‌اند، و هم‌اینکه ممکن است دوباره سختی‌ها و مشکلاتی که درگذشته بنی‌اسرائیل وجود داشت، برای آنان پیش آید، نزد او آمده و از او درخواست نمودند تا برایشان پادشاهی انتخاب نماید. از این‌رو سموئیل با توجه به شروطی برایشان پادشاهی، شائول، معین نمود. درحالی‌که ماجرای انتخاب شدن داود به مقام پادشاهی این‌گونه نیست و داود به‌عنوان مسیح خود خداوند محسوب می‌گردد (اول سموئیل ۱۶: ۱-۱۳). مؤید این نکته نیز این است که در تمام زندگی حضرت داود، غالباً هرگاه آن حضرت از خداوند چیزی طلب می‌کند، دعایش برآورده می‌شود. در حالیکه در مورد سایر پادشاهان بنی‌اسرائیل نمی‌توان به‌صراحت این

ادعا را مطرح نمود، حتی تعبیر مسیح که برای شائول و کوروش نیز ذکر می‌شود، حائز چنین ویژگی ممتازی نیست. از این رو به نظر می‌رسد داودی که در عهد عتیق مطرح می‌شود فراتر از یک پادشاه عادی است.^۱

اگر شخصیت حضرت داود را فراتر از یک انسان معمولی بدانیم، باید واجد ویژگی‌های منحصر بفردی - اعم از ویژگی‌های نظری و عملی - باشد تا به عنوان الگویی برای سایرین محسوب شود. از شاخصه‌های نظری ایشان؛ خدا گرایی و اعتقاد به اینکه همه چیز از آفریده و از آن خداست (مزامیر ۴: ۴؛ ۱۹: ۱۴؛ ۲۶: ۲؛ ۷۷: ۶؛ ۱۱۹: ۱۳۶؛ ۱۳۹: ۲۳-۲۴)، اعتقاد به مرگ و عالم پس از مرگ (دوم سمو ۱۲: ۲۳؛ ۱۶: ۹-۱۱)، نهراسیدن از مرگ (اول سموئیل ۲۰: ۳) را می‌توان برشمرد. ویژگی‌های عملی حضرت داود، شامل طیف گسترده‌ای از شاخصه‌های رفتاری و اخلاقی است که به مواردی از آن به‌طور اجمال اشاره می‌شود؛

شاخصه‌های اخلاقی؛

- شکیبایی، و گذشت داود هم در برابر اقدامات شائول که در اول سموئیل ۱۶-۳۱ به آن‌ها اشاره می‌شود (Gunn, 1978, p 27). حداقل دو بار شرایطی فراهم می‌شود که داود می‌توانست مخفیانه، شائول را به قتل برساند، لیکن داود از این امر صرف‌نظر می‌کند (اول سمو ۲۴: ۴-۱۵) و هم درباره اقدامات دیگران؛ همچون گذشت داود از ابنیر، نابال، عماسا و دیگرانی که در حق او عمل ناروایی انجام داده بودند (دوم سمو ۳: ۱۹-۲۱، ۳۱-۳۹؛ ۱۹: ۱۳-۱۴، ۱۸-۲۳؛ اول سمو ۲۵: ۳۲-۳۵)
- همراهی در سختی‌ها با شائول. به گونه‌ای که هرگاه داود برای او می‌نواخت، شائول آرامش یافته و بدین داود نزد شائول منزلت یافت (اول سموئیل ۱۶: ۴-۲۳).
- به همه عشق می‌ورزد حتی به شائول، چراکه شائول از نگاه او مسیح خداوند است. (اول سمو ۱۶: ۱۲-۱۶، ۱۸)
- دلسوزی و دلرحمی داود؛ با وجود فتنه آبشالوم، داود در مرگ پسرش می‌گرید (Blackburn, 1864, p 150; Barnard, 2004, p 112). چراکه میل به اصلاح او داشت و با وجود تمام بدی‌هایی که در حق پدرش روا داشته بود، بازهم از او ناامید نشده بود (دوم سمو ۱۸: ۳۳؛ اول سمو ۱۷: ۲۷)
- تواضع و احترام در مقابل بزرگ‌تر؛ پس از کشتن جلیات در پاسخ شائول، متواضعانه خود را معرفی می‌کند (اول سمو ۱۷: ۵۸). او حتی خود را لایق دامادی پادشاه نمی‌داند (اول سمو ۱۸: ۱۸، ۲۳)
- نفرت از دشمنان خدا و قوم خدا؛ او از جلیات، و ساحران به خاطر اینکه به خدا و سپاهیان خدا توهین می‌کرد، نفرت داشت. (اول سمو ۱۷: ۲۶، ۲۹، ۴۵-۴۷؛ مزامیر ۱۳۹: ۲۱-۲۲).
- علاقه، احترام و نگرانی او برای حال پدر و مادرش. در شرایط جنگی، از پادشاه مواب درخواست نمود تا از آن‌ها نگهداری کند. (اول سمو ۲۲: ۱-۴) هرگاه از امور دربار فارغ می‌شد، برای چوپانی نزد پدرش می‌آمد (اول سمو ۱۷: ۱۵) (Barnard, 2004, p 11)

شاخصه‌های رفتاری؛

- عاقلانه رفتار نمودن در انجام امور (اول سموئیل ۱۸: ۵، ۱۲، ۱۴) موجب محبوبیت او نزد بنی‌اسرائیل شد (اول سمو ئیل ۱۸: ۱۶)
- شجاعت و جنگاوری منحصربه‌فرد (اول سموئیل ۱۸: ۱۷؛ ۱۹: ۴-۵؛ دوم سمو ۱: ۱-۱۶) که سبب محبوبیت او نزد (اول سمو ۱۸: ۱-۵) و حتی شائول می‌شود تا جایی که پس از کشتن جلیات، شائول دخترش را به عقد او درمی‌آورد (اول سمو ۱۸: ۱۲-۱۵)

^۱. با توجه به اینکه این مقاله صرفاً به عهد عتیق می‌پردازد، برداشت فوق، خدشه ناپذیر است. لیکن اگر بخواهیم سایر اسناد را در کنار عهد عتیق مورد بررسی قرار دهیم، جنبه نبی بودن آن حضرت تقویت خواهد شد. برای مثال در کتاب اعمال رسولان، ۲: ۳۰ به پیامبر بودن آنحضرت اشاره شده است. همچنین اگر بخواهیم بحث را به اسناد بحر المیت و قمران و ... بکشانیم، بحث جدیدی خواهد بود، چراکه شائیه‌های نبی بودن آن حضرت در این اسناد ذکر شده است (رک: جیسن: ۲۰۰۸؛ راناسوانا: ۲۰۱۱).

- راضی به رضای الهی است و در امتحان‌های الهی بردبار است (دوم سمو ۱۷). اگر خدا بخواهد او را از شر فتنه آبشالوم نجات خواهد داد. لذا دستور داد تا تابوت عهد در شهر بماند و اگر خدا بخواهد او دوباره به این شهر برمی‌گردد. (دوم سمو ۱۵: ۲۵-۲۶).
- به‌قدری عاشق خداوند است که در مدح خداوند بدون ملاحظه مقام خویش به شعرخوانی و پایکوبی می‌پردازد. (رک؛ دوم سمو ۲۲؛ ۶: ۱۵-۲۰). عبادت خدا را دوست دارد و خدا را بالاتر از همه چیز می‌داند (مزامیر ۲۷: ۴؛ ۸۴: ۱۰؛ ۴۲: ۱-۵؛ مزامیر ۱: ۳-۱۹؛ ۱۰-۱۱؛ ۱۱۹: ۹۷-۱۰۰، ۱۱۳، ۱۲۸). به تابوت عهد عشق می‌ورزد و تمام تلاش خود را برای ساختن معبد به کار می‌بندد (دوم سمو ۶: ۱-۲۳؛ ۷: ۱-۲۹).
- مقید به مراسم معبد و وقف هدایا به محضر خداوند است (دوم سمو ۲۳: ۱۶).
- اهل توبه و دعا به درگاه خداوند است (مزامیر ۱۳۱؛ ۳۴؛ ۱۸؛ ۵۱: ۱۷)؛ داود که از گناهش - ماجرای بتشعب- پشیمان است. از خدا می‌خواهد تا او را عذاب کند و مردم را با طاعون و سختی‌ها مبتلا نسازد (دوم سمو ۲۴: ۱۷). برای نجات فرزندش هفت شبانه‌روز، به خدا التماس می‌کند تا جانش را نجات دهد. (دوم سمو ۱۲: ۱۵-۱۸).
- چون وفادار به عهد و پیمان است، مغبیوشت پسر لنگ شائول را - به خاطر عهدی که بسته بود- سر سفره خود می‌نشاند. (دوم سمو ۹: ۱-۱۳؛ ۲۱: ۱-۹).
- به انبیاء احترام نموده و در مقابل آن‌ها باوقار، متواضع و تسلیم بود. (دوم سمو ۱۲: ۱۳؛ ۲۴: ۱۸-۲۵).
- خود را متعهد به دنبال صلح دانسته و عمر خود را صرف آن نمود (مزامیر ۷: ۱-۵؛ ۳۴: ۱۱-۱۶؛ ۵۵: ۱۹-۲۱؛ ۱۲۰: ۶-۷؛ ۱۴۴: ۱۱).

با توجه به این نکات گرچه نمی‌توان به‌صراحت از ایشان با عنوان یکی از پیامبران الهی نام برد، لیکن شخصیتی که عهد عتیق از ایشان ارائه می‌دهد فراتر از یک پادشاه معمولی است، و با توجه به این‌که حرکت و جهت کلی حرکت انبیاء در طول تاریخ عبارت بوده از تبلیغ، تحقق، بسط، عینیت بخشیدن و پیاده نمودن دین در زمین، تصویری که عهد عتیق از زمان حیات او ارائه داده، درخور توجه است.

۲.۱. دوران جوانی در عصر پادشاهی شائول؛

عهد عتیق گزارشی از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی حضرت داود ارائه نمی‌دهد. تأثیرگذاری او در تاریخ یهودیت، عملاً، از ماجرای جنگ فلسطینیان با بنی‌اسرائیل آغاز می‌شود. در این کارزار، سه تن از برادران حضرت داود در لشکر شائول حضور داشتند و داود نیز به‌عنوان فرزند کوچک خانواده نزد والدین مانده و در امر چوپانی و نگهداری از گوسفندان به پدرش یاری می‌رساند. به‌واسطه طولانی شدن نبرد، پدرش به او فرمان می‌دهد تا به بهانه بردن آذوقه‌ای برای برادران و فرمانده‌شان، احوال آنان را جویا شده و به گوش پدرشان برساند. در این کارزار، پس‌ازآنکه مشاهده ترس بنی‌اسرائیل از مواجهه با جلیات، قهرمان فلسطینیان، با متقاعد ساختن شائول به نبرد با جلیات رفته و او را از پای درمی‌آورد. این امر موجب محبوبیت او نزد پادشاه و در ادامه نزد تمام بنی‌اسرائیل می‌شود. لکن محبوبیت زیاد، موجبات حسادت پادشاه را فراهم می‌نماید، و انگیزه‌ای می‌شود تا شائول چندین بار تصمیم به قتل او، می‌گیرد. داود نیز هر بار، از مهلکه می‌گریزد و درصدد انتقام برنمی‌آید. تا اینکه درنهایت شائول از دنیا می‌رود و داود جانشین او می‌گردد (رک؛ اول سموئیل ۱۷: ۱ تا دوم سموئیل ۲: ۷)؛ (Barnard, 2004, p 11; Smith, 1933).

۲.۱. دوران پادشاهی حضرت داود؛

بر مبنای مزمو ۱:۱۰۰: ۱ هدف اصلی حضرت داود ایجاد حکومت جهانی الهی، باهدف پرستش جهانی خدا است. از این رو داود به دنبال این است تا تمام دنیا، خدا را، به سبب اعمالی که برای قوم خود انجام داده است، بشناسند (رک؛ مزمو ۹۸-۹۹ و ۱۱۷). اولین گام در راستای دستیابی به این هدف آن است که داود، از سوی خداوند مورد تأیید باشد و این نکته با مسح الهی فراهم می‌گردد.

۱.۲.۲. داود مسیح الهی؛

برخلاف شائول، که به درخواست مردم و به واسطه سموئیل نبی مسح شده و پادشاه شد، خداوند پس از آنکه مشاهده می‌کند شائول از مسیر حق منحرف گشته، مستقیماً به سموئیل دستور می‌دهد تا به سراغ یسی رفته و پسر کوچک او را به‌عنوان مسیح الهی مسح کند. در حقیقت شائول مسیح با واسطه است، لیکن داود مسیح مستقیم خداوند و مورد تأیید او محسوب می‌شود (McKenzie, 2000, p 51).

"پس فرستاده، او را آورد، و او سرخ‌رو و نیکو چشم و خوش‌منظر بود. و خداوند گفت: «برخاسته، او را مسح کن زیرا که همین است.» پس سموئیل حَقُّهٔ روغن را گرفته، او را در میان برادرانش مسح نمود. و از آن روز به بعد روح خداوند بر داود مستولی شد. و سموئیل برخاسته، به رانم رفت. و روح خداوند از شاول دور شد، و روح بد از جانب خداوند او را مضطرب می‌ساخت" (اول سموئیل ۱۶: ۱۲-۱۴).

لذا با توجه به اینکه مسح الهی بالاتر از مسح یک پادشاه جنگی است، باید حرکت اصلاحی حضرت داود ریشه در اراده الهی داشته باشد، وگرنه منجر به افساد، همانند مورد شائول، می‌گردد. براین مینا خداوند به داود وعده‌هایی می‌دهد و برای فراهم نمودن شرایط تحقق حکومت الهی، هر جا که لازم باشد، او را همراهی می‌کند (رک؛ محمدیان، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸).

۲.۲.۲. وعده خدا به داود؛

در راستای تحقق حکومت الهی، خداوند دو وعده به داود می‌دهد؛

- وعده سلطنت جاودانی خاندان او؛ "زیرا روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خودخواهی خوابید و ذریت تو را که از صُلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهیم ساخت، و سلطنت او را پایدار خواهیم نمود" (دوم سموئیل ۷: ۱۲).
- نجات بنی‌اسرائیل از شرور جمیع دشمنان؛ "پس الان این را به انجام برسانید زیرا خداوند دربارهٔ داود گفته است که به وسیلهٔ بندهٔ خود، داود، قوم خویش، اسرائیل را از دست فلسطینیان و از دست جمیع دشمنان ایشان نجات خواهیم داد" (دوم سموئیل ۳: ۱۸).

به نظر می‌رسد که نمی‌توان وعده‌هایی که خداوند به داود داده است را، امری به‌یک‌باره و آنی در نظر گرفت. زیرا خداوند در گذشته و در عصر انبیاء پیشین نیز به یاری قوم شتافته و آن‌ها را از مهلکه‌های عظیمی نجات داد. زیرا داود می‌داند که بنی‌اسرائیل قوم برگزیده خداوند است (رک؛ دوم سموئیل ۷: ۱۸-۲۹) و نیز آگاه است که وعده تصاحب سرزمین‌های حائل نیل تا فرات در گذشته به حضرت ابراهیم علیه‌السلام داده شده بود (رک؛ پیدایش ۱۵: ۱۸)، لیکن شرایط تحقق آن - به دلایل چندی همچون؛ عدم اتحاد قبائل تا آن دوره، عزم جدی فلسطینی‌ها برای تأسیس حکومتی غیردینی و احتمال نابودی کامل دین یهودی (رک؛ اپستاین، ۱۳۸۵، ص ۳۵) - تا عصر حضرت داود محقق نشده بود.

۳.۲.۲. همراهی خدا با داود؛

با توجه به اینکه خداوند وعده سلطنت جاودانی را به داود می‌دهد و از طرفی او به دنبال تحقق این هدف مقدس است، خداوند نیز همواره با داود همراهی می‌کند. این همراهی تا جایی ادامه پیدا می‌کند که مرزهای حکومت داود از مصر تا فرات گسترش

می‌یابد (دوم سموئیل ۸). او ابتدائاً در حبرون و به وسیله قبیله یهودا پادشاهی خود را آغاز (رک؛ دوم سموئیل ۱-۴) و در ادامه پس از کشته شدن یکی از پسران شائول (ایشیوشث) سایر قبائل نیز او را به عنوان پادشاه خود پذیرفتند (دوم سموئیل ۵: ۱-۵). مدتی بعد اورشلیم را از دست یبوسی‌ها خارج نموده (دوم سموئیل ۵: ۶-۱۴) و با آوردن تابوت عهد از خانه ابیناداب به اورشلیم، سلطنت و پادشاهی او مورد قبول خدا و بنی‌اسرائیل قرار گرفت (دوم سموئیل ۶؛ مزامیر ۱۳۲: ۳-۵). همراهی خدا در فتح سرزمین موآبیان، هددعرز، باته، بیروتای و دمشق نیز در ادامه یاور او بود (رک؛ دوم سموئیل ۸؛ رک: محمدیان، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷).

مصادیق دیگری از همراهی خداوند با داود در عهد عتیق گزارش شده است. مواردی همچون؛

- برمبنای مزمور ۷: ۶-۹ درخواست او از خداوند جهت داوری تمام اهل زمین، مورد پذیرش خدا قرار می‌گیرد.
- پس از حمله فلسطینیان به شهر قلیعه و آتش زدن خرمن‌های مردم آن شهر، داود از خداوند درخواست می‌کند تا با آنان بجنگد، و خدا با این درخواست موافقت می‌کند (اول سموئیل ۲۳: ۱-۵).
- هرگاه قرار است خطری جان داود را تهدید کند، همچون مواردی که شائول تصمیم به ترور داود می‌گیرد (رک؛ اول سموئیل ۲۳: ۷-۱۵) خدا نجاتش می‌دهد.

۴.۲.۲ حکمرانی حضرت داود؛

حضرت داود به عنوان مسیح الهی، و همچنین به عنوان بزرگترین حاکم شهر یهودیه و اسرائیل (Eliade, 1987, p 242)، حدود چهل سال پادشاهی نمود (دوم سموئیل ۵: ۳-۵). با توجه به اینکه حاکمیت حضرت داود در راستای تحقق وعده الهی بوده است، از اینرو بایسته است چگونگی حکمرانی حضرت داود با هدف حاکمیت الهی در حکومت‌داری، بررسی شود و در ادامه جهانی بودن یا نبودن حاکمیت او تبیین شود.

داود به عنوان جنگجوی نیرومند، دشمنان را یکی پس از دیگری از میان برده، مناطق مختلفی را فتح می‌کند تا صلحی واقعی جوامع مختلف ایجاد کند (کلاپرمن، ۱۳۵۷، ص ۱۱۱). از این‌رو جهت مدیریت دقیق جامعه -برای اولین بار پس از موسی علیه- السلام- به سرشماری رسمی قوم مبادرت نمود تا هم در تأمین نیروی سرباز در جنگ‌ها و هم تأمین مالیات لازم برای اداره کشور با مشکلی مواجه نگردد (همان، ص ۱۱۳).

در مزامیر آمده است که وی تمام تلاش خود را به کار بست تا عدالت و انصاف را در میان مردم برقرار سازد. از مهم‌ترین اقدامات او تبدیل اتحاد ضعیف اسباط یهودی به‌جای مانده از دوران قدیم به یک سیستم یکپارچه سیاسی و ملی بود. از این‌رو سرزمین مقدس را به دوازده منطقه سیاسی اداری تقسیم نمود. دادگاه دولتی و مدیریت مالی شهرها، ارتش و امور دینی را تشکیل داد و مقدمات ساخت معبد را با استقرار تابوت عهد در اورشلیم آماده کرد و حتی شرایطی را برای انجام مراسم معبد تنظیم نمود (پیترز، ۱۳۸۴، ص ۹۹). ایجاد نظام روحانیت ثابت برای خدمت و محافظت از معبد، تحت اشراف صادق کاهن به‌عنوان رئیس کاهنان و لاویان از جمله این اقدامات است. این‌گونه اقدامات، سبب شد تا یهودیان پراکنده از شهرهای مختلف به اورشلیم مهاجرت کنند و به‌نوبه خود مرکزی را برای دولت به وجود آورد. او با این عمل اتحاد معبد و دربار را بنا نهاد. با اتخاذ این‌گونه سیاست‌ها او به سلطنت خویش رنگ و بوی مذهبی بخشید و در ادامه حکومت را برای اولین بار موروثی ساخت (رک؛ آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹).

۵.۲.۲ جهانی بودن حاکمیت داود؛

از آنجاکه پادشاهی سلسله داود به‌عنوان نماینده پادشاهی خدا در زمین محسوب می‌شود و با توجه به این حقیقت که برمبنای مزامیر ۱۱۰: ۱: " خداوند، به خداوند من گفت: به دست راست من بنشین و من دشمنان را به زیر پاهایت خواهم افکند"،

حضرت داود بر دست راست خدا نشسته است، وسعت حکومت او بالقوه جهانی محسوب می‌شود (محمدیان، ۱۳۸۱، ص ۱۹۷). این نکته در مزامیر ۲: ۱-۱۲ نیز مورد اشاره واقع شده است:

چرا قوما شورش می‌کنند؟ چرا مردم بی‌جهت توطئه می‌چینند؟ پادشاهان جهان و رهبران ممالک با هم متحد شده اند تا بر ضد خداوند و پادشاه برگزیده‌اش قیام کنند. آن‌ها می‌گویند: «بیایید زنجیرها را پاره کنیم و خود را از قید اسارت آزاد سازیم!» اما خداوند که بر تخت خود در آسمان نشسته، به نقشه‌های آنان می‌خندد. سپس با خشم و غضب آنان را توبیخ می‌کند و به وحشت می‌اندازد. خداوند می‌فرماید: «من پادشاه خود را در شهر مقدس خود اورشلیم بر تخت سلطنت نشانده‌ام!» پادشاه می‌گوید: «من فرمان خداوند را اعلام خواهم کرد. او به من فرموده است: از امروز تو پسر من هستی و من پدر تو! از من درخواست کن و من همه قوم‌ها را به‌عنوان میراث به تو خواهم بخشید و سراسر دنیا را ملک تو خواهم ساخت. تو با عصای آهنین بر آن‌ها حکومت خواهی کرد و آن‌ها را مانند ظروف گلی خرد خواهی نمود.» بنابراین، ای پادشاهان، گوش دهید و ای رهبران جهان توجه نمایید! با ترس و احترام خداوند را عبادت کنید؛ پیش از اینکه پسرش خشمگین شود و شمارا نابود کند، به پاهایش بیفتید و آن‌ها را بوسه زنید، زیرا خشم او ممکن است هر لحظه افروخته شود. خوشبحال همه‌کسانی که به او پناه می‌برند.

به نظر می‌رسد که هسته مرکزی در جهانی بودن حاکمیت داود باور به این نکته است که مرکز ثقل زندگی و همچنین تاریخ و کل خلقت، خداوند است. او پادشاه همه انسان‌هاست و همه‌چیز تابع اوست (آرمسترانگ، ۱۳۸۵، ص ۵۳). جهانی که خدا خلق نموده دارای نظم دقیق است و چون خداحافظ آن است از این‌رو همه‌چیز پابرجا مانده و از فساد و اغتشاش یا نابودی در امان است. چون او خدای مقتدر است لذا کل خلقت تحت نفوذ قدرت او اداره می‌گردد و در جهت یک هدف الهی حفظ می‌شوند (محمدیان، ۱۳۸۵، ص ۱۹۸).

به‌عنوان پادشاه عظیم، خداوند، هیچ قدرت دنیوی را که با او مخالفت کرده و یا منکر اوست، تحمل نمی‌کند. از این‌رو بنی‌اسرائیل را انتخاب نموده تا قوم خدمتگزار و وارث او در میان امت‌ها باشند. آن‌ها را از دست قدرت‌های دنیوی نجات داده و سرزمینی را به تملک ایشان درآورد. امنیت و امید قوم خدا در رویارویی با دنیای متخاصم بر تداوم و قدرت پادشاهی خاندان داود وابسته است. لذا از آنجاکه پادشاهی سلسله داود به‌عنوان نماینده پادشاهی خدا روی زمین است، وسعت حکومت او نیز باید بالقوه جهانی باشد (همان، ص ۱۹۷).

داود، با این تفکر خردمندانه که در حاکمیت خدا "گناه بی سزا نخواهد بود" آرامش می‌یابد (اول سموئیل ۷: ۱-۱۶). دیگر کاری به هدایایی که سایرین برای خدایان جعلی خود وقف می‌کنند، ندارد (دوم سموئیل ۴: ۲) و با اعتماد و اطمینان به خدایی که ملجأ اوست، در مقابل دشمنان خدا با قدرت ایستادگی نموده (اول سموئیل ۱۷: ۲۷، ۳۷، ۴۵-۴۷) و بر همین مبنا به دنبال ایجاد حکومتی خدامحور و جهانی است. به نظر می‌رسد با توجه به نکات فوق، یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل حکومت جهانی الهی و بسط دین در عالم، مسلح بودن ایمان‌داران به ابزار قدرت است. نکته‌ای که پس از سال‌ها سختی و آوارگی کشیدن‌های بنی‌اسرائیل در عصر حضرت داود محقق شد.

. انحرافات داود از مسیر الهی؛

با تمام اوصافی که عهد عتیق برای حضرت داود بیان نموده است، و از او به‌عنوان پادشاهی که درصدد تشکیل حکومت جهانی خداست، یاد می‌کند، انحرافات نیز به او نسبت داده است. انحرافات که باهدف والائی که برای او ترسیم‌شده، در تناقض است. در ذیل به برخی از این‌گونه انحرافات و لغزش‌هایی که عهد عتیق از داود روایت نموده، اشاره می‌شود:

- پس از آن‌که به قدرت می‌رسد، دستور می‌دهد تا میکال دختر شاول، با اینکه زن کس دیگری بود، را فقط به خاطر اینکه قبلاً نامزد داود بوده است، به‌زور از شوهرش جدا کنند و به زنی او درآورند. (دوم سموئیل ۳: ۱۴-۱۶)

- با بتشیع زن اورایی حتی، زناى محصنه نموده و به جهت آن که اوریا از این قضیه آگاه نشود، با دسیسه‌ای او را به خط مقدم جبهه می‌فرستد، تا در نهایت کشته شود (دوم سموئیل ۱۱: ۲-۲۷)
 - فریب خوردن داود در تعیین جانشین به علت کهولت سن (اول پادشاهان ۱: ۱-۳۲)
 - دشمنان خود را یا به کارهای سخت و یا این‌که آن‌ها را با قساوت قلب از پای درمی‌آورد (دورانت، ۱۳۸۰، ص ۳۷۵).
 - او بارها برای فریب دیگران، یا برای نجات زندگی‌اش حاضر می‌شود به‌سادگی دروغ بگوید. (اول سمو ۱۹: ۱۱-۱۸ غ ۲۰: ۲۷-۳۰؛ ۲۱: ۱-۱۰؛ ۲۷: ۱-۱۲؛ ۲۸: ۱-۲؛ ۲۹: ۸؛ دوم سمو ۱۵: ۱۵-۳۱؛ ۳۷: ۱۷؛ ۲۲-۱۵).
 - در حال فرار از شائول، از نان مقدسی که به خدای معبد پیشکش شده بود، می‌خورد (اول سمو ۲۱: ۳-۶)
 - در تقسیم غنائم جنگی انصاف را مراعات نمی‌کند، و با واگذاری حصه‌ای از غنائم به منافقان و افراد شروری را که از جنگ طفره رفته بودند، موجبات ناراحتی و اعتراض دیگران را فراهم می‌کند (اول سموئیل ۳۰: ۲۱-۲۵)
 - به خاطر ظلمی که قبلاً شائول به جبعونی‌ها روا داشته بود، داود، طی قراردادی حاضر می‌شود تا هفت نفر از افراد خانواده شائول را به آن‌ها تسلیم کند و جبعونی‌ها آنان را به دار می‌آویزند (دوم سموئیل ۲۱: ۱-۹)
 - داود به پسرش سلیمان وصیت می‌کند که شمععی بنیامینی، کسی که به داود اهانت نمود و داود به خاطر خدا او را بخشید، بکشد و سلیمان نیز چنین کرد (اول پادشاهان ۲: ۸-۹).
 - همچنین می‌توان به‌ملایمت او با فرزندان شیریش (دوم سموئیل ۱۳: ۲۱؛ ۱۴: ۱، ۳۳؛ ۱۹: ۴-۶) و کوتاهی او نسبت به سرپیچی موآبیان که باعث بروز دسیسه و ظلم و خونریزی در میان خاندان و قومش گردید، (دوم سموئیل ۳: ۲۹؛ ۲۰: ۱۰، ۲۳) و ضعف و شکست‌های مکرر پادشاهی او (دوم سمو ۱۰-۲۰) اشاره نمود.
- به نظر می‌رسد با توجه به این‌که در عهد عتیق بحثی در رابطه با معصوم بودن اشخاص و افراد مطرح نشده، از این‌رو لغزش‌های منتسب به داود، با روح کلی حاکم بر فضای حکایات مرتبط با شخصیت‌های عهد عتیق ناسازگار نباشد. زیرا در عهد عتیق انبیاى همچون نوح، موسی، هارون، یعقوب، لوط، آدم، سلیمان و ... در معرض اتهاماتی همچون بت‌پرستی، شرب خمر، زنا، دروغ‌گویی، فریب و مانند آن قرار دارند، و باین‌حال عهد عتیق به‌سادگی از این نکات گذر می‌کند (رک؛ الشیخ، ۱۳۸۷، ص ۳۰؛ اشرفی، ۱۳۹۲).

۳. حضرت داود علیه‌السلام در قرآن کریم

حضرت داود علیه‌السلام از پیامبران بزرگ بنی‌اسرائیل است که نام شریف ایشان شانزده مرتبه در نه سوره قرآن کریم، ذکر شده است (بقره ۲۵۱- نسا: ۱۶۳- مائده ۷۸؛ انعام ۸۴- اسرا ۵۵؛ انبیا ۷۸-۷۹؛ نمل ۱۵-۱۶-۳۰؛ سبا ۱۰-۱۳؛ ۱۷-۲۲-۲۴-۲۶). گرچه در قرآن از نسب آن حضرت نام برده نشده، لیکن در روایات از او به‌عنوان دهمین و کوچک‌ترین پسر فردی به نام ایشی (یا ایشا) نام برده شده است (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۱۰) فردی که از نسل یهودا فرزند حضرت یعقوب است (مجلسی، ۱۳۸۲، ۵۸۹؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۷۶؛ دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۸) که به لحاظ ظاهری، فردی کوتاه‌قد، کم مو و سبزه‌رو بوده است (ابن اثیر، ۱۳۴۵، ج ۱، ص ۲۲۳).

برخلاف عهد عتیق، نبوت آن حضرت در قرآن کریم تصریح شده است (رک؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴، ص ۴۳۱). در آیه ۱۶۳ سوره نساء آمده است: **إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ التَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ عِيسَى وَ أَيُّوبَ وَ يُونسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا (۱۶۳)** ما به تو وحی کردیم، همان گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [ادارای مقام نبوتشان] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان نیز وحی نمودیم؛ و به داود، زبور دادیم.

در آیه شریفه به دو نکته در مورد حضرت داود اشاره می‌کند؛ یکی مسئله نزول وحی - که یکی از شاخصه‌های انبیای الهی در قرآن کریم است - و دیگری مسئله فرستادن کتاب «زبور» بر آن حضرت است. از این رو داود در قرآن پیامبر و خلیفه خدا در زمین محسوب می‌شود. در میان انبیای بنی اسرائیل برخی صرفاً نبی بوده و برخی نیز علاوه بر نبوت، به مقامات حکومتی دست یافتند و ظاهراً حضرت داود اولین پیامبری است که به مقام پادشاهی زمینی نیز دست یافته بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۱۸۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰؛ ابن اثیر، ۱۳۴۵، ص ۲۲۳).

با توجه به اینکه از نگاه قرآن کریم حضرت داود از مقام نبوت برخوردار بودند، بر مبنای معیارهای اسلامی، یک نبی آراسته به تمام فضائل و نیکی‌هاست و از تمامی رذایل و شرور میری است. از این رو نیازی نیست تا در قرآن کریم یکایک فضائل تک تک انبیاء ذکر شود، و اگر هم فضیلتی ذکر شد، از این بابت است که آن ویژگی در آن نبی بروز و ظهور بیشتری داشته است. بر این مبنای برخی از ویژگی‌های عملی و نظری بارز حضرت داود در قرآن کریم به قرار زیر است (رک؛ طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۲۰۰-۲۱۰؛ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۵۵۴):

ویژگی‌های عملی آن حضرت؛

- احسان و نیکوکاری از جمله صفاتی است که در سوره انعام آیه ۸۴ به آن اشاره شده است؛
- آیه ۱۷ سوره ص از آن حضرت با عنوان مظهر صبر و مقاومت و به‌عنوان الگویی برای صابران و بردباران تاریخ نام برده است؛
- در آیه ۲۲ و ۲۶ سوره ص از آن حضرت به‌عنوان قاضی و داوری عادل در رسیدگی به امور اجتماعی یاد شده، همچنین در آیه ۲۶ مقام رهبری و حکومت‌داری - خلافت - روی زمین نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های عملی آن حضرت ذکر شده است؛
- جنگاوری و شجاعت ایشان در آیه ۲۵۱ سوره بقره - در ماجرای کشتن جالوت - ذکر شده است؛
- آیه ۱۷ سوره ص به مقام عبودیت و بندگی و بازگشت مداوم آن حضرت به‌سوی خدا اشاره دارد؛ به خاطر رابطه تنگاتنگی که آنحضرت با خدا داشت، بسیار اهل توبه بود و از خوف خدا بسیار می‌گریست. روایات مختلفی پیرامون عبادت داود نقل شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۷، ص ۸۶). پیامبر اسلام روزه و نماز داود را ستوده است (ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۴۶). حضرت داود یک روز در میان به روزه‌داری مشغول بودند (حمیری: ۱۴۱۳، ص ۹۰).

ویژگی‌های نظری آن حضرت؛

با توجه به اینکه در دین مبین اسلام حضرت داود از انبیای الهی محسوب می‌شود، از این رو در اعتقاد کامل آن حضرت به مبانی و اصول دین، همچون اصل توحید، نبوت سائر انبیاء و مسئله معاد، هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. بعلاوه در آیه ۲۵۱ سوره بقره به این نکته اشاره شده است که خداوند در کنار علم و دانش سرشار (رک؛ انبیاء: ۷۹؛ بقره: ۲۵۱؛ نمل: ۱۵: ۲۰)، مقام حکمت را به آن حضرت عطا فرمود.

در کنار این ویژگی‌ها از مهم‌ترین خصائص حضرت داود به‌عنوان پیامبر و نبی خدا، معجزات متعددی است که از آن حضرت در قرآن کریم ثبت و ضبط شده است. معجزاتی همچون؛

- بر اساس آیه ۷۹ سوره انبیاء، کوه‌ها و پرندگان مسخر حضرت داود بودند و همراه با آن حضرت تسبیح خدا می‌گفتند.
- همان‌گونه که در سوره نمل آیه ۱۶ ذکر شده است آن حضرت زبان و منطق پرندگان را می‌فهمید.

- بنابر آیه ۸۰ سوره انبیاء و ۱۳ سوره سبا، خداوند، چگونگی نرم نمودن آهن و ساختن زره را به حضرت داود آموخت تا لشکریان او در جنگ از گزند محفوظ باشند. (رک؛ سبا: ۱۰؛ انبیاء: ۸۰؛ طباطبائی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۰۰؛ ج ۱۵، ص ۵۴۱-۵۴۲)

یکی از مواهب و امتیازاتی که حضرت داود نسبت به سایر انبیاء دارد، این است که خداوند کتاب زبور را به آن حضرت اعطا نموده است؛ (رک؛ نسا: ۱۶۳؛ اسراء: ۵۵؛ انبیاء: ۱۰۵) کتابی که مجموعه‌ای از پندها، حکمت‌ها و دعاهاست که در آن خبر از حکومت صالحان و نیکان در آخرالزمان آمده است (رک؛ انبیاء: ۱۵). با اینکه داود دارای پادشاهی بود خداوند نزول زبور را مایه افتخار او می‌داند. تا مشرکان بدانند که عظمت یک انسان به داشتن مال و ثروت و حکومت‌داری نیست. ظاهراً یهودیان معتقد بودند که بعد از حضرت موسی، نزول کتاب دیگری ممکن نیست. قرآن در پاسخ به این دسته بیان می‌کند که ما به داود زبور دادیم. چرا از نزول قرآن تعجب می‌کنید. (رک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ج ۱۲، ص ۱۶۱-۱۶۲)

- یکی دیگر از معجزات الهی که در کلام حضرت داود منعقد می‌شد، صدای خوش آن حضرت هنگام تلاوت زبور بوده است به‌گونه‌ای که در زمان تلاوت زبور، همه حیوانات به نزدیک او می‌آمدند و به صدای او گوش می‌دادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۱۴).

۱.۴ حکومت حضرت داود؛

حضرت داود از جمله معدود انبیائی بود که مقدمات لازم برای حکمرانی ایشان فراهم گردید، و بنا به روایتی سلطنت و پادشاهی ظاهری آن حضرت حدود چهل سال به طول انجامید (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۲۴). حکومت حضرت داود، برخلاف سایر حکومت‌ها دارای یک ویژگی منحصر به فرد است و آن اینکه، این حکومت که گستره وسیعی از مناطق را تحت سیطره خود دارد، مؤید به تأییدات و نصرت‌های الهی است. شاهد این نکته، اعطای علم، حکمت و فصل‌الخطاب بودن آن حضرت، و به تسخیر درآمدن کوه‌ها، پرندگان و حیوانات در برابر اوست که قطعاً ناشی از اراده الهی است. این نکته بدین معناست که حکومت ایشان، در واقع همان حاکمیت خدا و قوانین الهی روی زمین است. در واقع قرآن کریم، به روشنی این حقیقت را بیان کرده است که پیامبران و اولیای الهی، خلفای الهی روی زمین هستند (رک؛ کلینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۳۸؛ حاجی خانی، ۱۳۹۵). شاهد این نکته نیز آیاتی است که در ادامه ذکر می‌شود:

- (وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...) (بقره/۳۰).

- (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ) (نور/۵۵).

- «يا داودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص/۲۶).

در آیه نخست به تبیین مفهوم خلیفه، مقام والای خلیفه و ویژگی‌های ممتاز آن که خاص افراد معدودی است اشاره می‌شود؛ و در آیه دوم این مقام را صرفاً از آن مؤمنان می‌داند و در نتیجه در آیه سوم به وظیفه جانشینانی که از طرف خداوند منصوب شده‌اند، اشاره می‌کند. در این آیه آمده است: "ای داود، تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم. پس در میان مردم، به حق داوری کن و از خواهش نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا گمراه می‌سازد".

از این آیه به دست می آید که داوری به حق در میان مردم، یکی از جلوه ها و شئون خلافت الهی در زمین است. نکته‌ای که یکی از اهداف و شئون همه پیامبران الهی بوده است.^۲ از دیدگاه قرآن کریم، کسانی شایستگی پیشوایی بشر را دارند که به مقام خلیفه الهی رسیده باشند؛ یعنی مقام پیشوایی بشر، ریشه در مقام خلافت الهی دارد. قرآن کریم، درباره حضرت داود نخست از مقام خلافت الهی او یاد می‌کند، آن‌گاه از منصب حکومت و داوری وی و درباره عموم پیامبران می‌فرماید:

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۸۷) ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۸۸) أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَكْفُرِينَ (۸۹) و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را [برتری عطا کردیم]، و آنان را برگزیدیم و به راهی راست هدایت نمودیم. این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد به آن هدایت می‌کند، و اگر [آنان با همه عظمت و مقامی که داشتند برای خدا] شریک قرار داده بودند، یقیناً آنچه عمل شایسته انجام می‌دادند، تباه و بی اثر می‌شد. آنان کسانی هستند که به ایشان کتاب و منصب داوری و نبوت دادیم؛ پس اگر اینان [که به سبب مشرک بودنشان دشمنی و مخالفت می‌کنند] به این حقایق [که پایه های آیین الهی اند] کفر ورزند، یقیناً گروهی را [برای نگرهبانی و مراعات امر نبوت و برنامه دین] می‌گماریم که نسبت به آنها کافر نیستند.

در راستای اداره جامعه برمحور عدالت، قرآن کریم به مواردی از قضاوت‌های عادلانه حضرت داود اشاره می‌نماید (سوره ص: ۲۰ و ۲۶؛ انبیاء: ۷۸-۸۲) و جالب آن‌که از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که حضرت فرمودند: امام زمان علیه‌السلام پس از ظهور همانند حضرت داود در میان مردم به قضاوت خواهد پرداخت (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۶۳۲). و همین نکته مؤیدی است بر قضاوت‌های عادلانه آن‌حضرت. رعایت عدالت در قضاوت و حکمرانی سبب ایجاد توسعه و آبادانی در کشور می‌شود (درویشی، ۱۳۹۲).

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. کتاب مقدس
۳. ابن اثیر جزری، علی بن محمد؛ *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ق.
۴. ابن باویه، محمد بن علی بن الحسین؛ *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.

^۲ همانگونه که در سوره بقره: ۲۱۳ به آن اشاره شده است. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۱۳) مردم [در ابتدای تشکیل اجتماع] گروهی واحد و یک دست بودند [و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند]، پس [از پدید آمدن اختلاف و تضاد] خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. [آن‌گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد] و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، [این اختلاف] بعد از دلایل و برهان های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، [و سبب آن] برتری جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا اهل ایمان را به توفیق خود، به حقی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد. و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می‌کند.

۵. ابن باویه، محمد بن علی بن الحسین؛ الامالی، ج ۱، تهران: موسسه البعثه، ۱۴۱۷.
۶. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد؛ دیوان المبتدأ و الخیر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تاریخ ابن خلدون)، تحقیق: خلیل شحاده، ج ۲، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر؛ البدایه و النهایه، ج ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
۸. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، دار احیاء الکتب العربیه، فیصل عیسی البابی الحلبي، بی تا.
۹. ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. اپستاین، ایزیدور، یهودیت بررسی تاریخی، مترجم: بهزاد سالکی، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵
۱۱. اشرفی، عباس؛ عصمت پیامبران در قرآن و عهدین، فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۳، شماره ۱۲ (۱۳۹۲): ۹۶-۸۰
۱۲. آرمسترانگ، کرن؛ تاریخ خداپاوری، جستجوی ۴۰۰۰ ساله، مترجم: بهاءالدین خرمشاهی و بهزاد سالکی، تهران: پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵
۱۳. آشتیانی، سید جلال الدین، تحقیقی در دین یهود، تهران: نگارش، چاپ دوم، ۱۳۶۸
۱۴. پیترز، اف ئی، یهودیت، مسیحیت و اسلام، مترجم: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴
۱۵. حاجی خانی، علی؛ تحلیل و بررسی قضاوت حضرت داود علیه السلام، تنعیم، سال اول، شماره ۲ (۱۳۹۵): ۹-۲۹
۱۶. حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی الادهان، ج ۴، بیروت: دار العلوم، ۱۴۲۴ ق.
۱۷. درویشی، سید رضا، بررسی مدیریت نظامی حضرت داود (ع) از دیدگاه قرآن و روایات، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی، شماره ۵۱، پاییز (۱۳۹۲): ۱۶۷-۲۰۴
۱۸. دورانت، ویلیام جیمز، دورانت، آوریل، تاریخ تمدن: مشرق زمین: گاهواره تمدن، مترجمان: عسکری پاشایی، امیرحسین آریانپور، احمد آرام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰
۱۹. دینوری، ابو حنیفه احمد بن داوود؛ الاخبار الطوال، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۲۰. الشیخ، علی؛ تولدی نو، ترجمه: سیدمسلم مدنی، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷
۲۱. طباطبائی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۲. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ الأمم والملوک، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ج ۱، ۱۳۸۷.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن؛ التبیان فی القرآن، ج ۸، ق: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۸.
۲۴. کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی، تاریخ قوم یهود، مترجم: مسعود همتی، تهران: انجمن فرهنگی اوتصر هتورا (گنج دانش)، ۱۳۴۷
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، ج ۲، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹.
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ تاریخ انبیاء، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۸. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۲ و ۱۴، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. محمدیان، بهرام، دائره المعارف کتاب مقدس، تهران: سرخدار، ۱۳۸۱.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷.

31. Ben-Nun, Liubov. "Medical Research in Biblical Times from the Viewpoint of Contemporary Perspective.". B.N. Publication House, Israel .۲۰۱۵.
32. Barnard, David T. *With skilful hand: The story of King David*. McGill-Queen's Press-MQUP, 2004.
33. Blackburn, W.M, *the Rebel Prince*, Presbyterian Board Op Publication, 1864.
34. Eliade, Mircea. *The encyclopedia of religion*. Edited by Charles J. Adams. Vol. 4. New York: Macmillan, 1987.
35. Gunn, David M. *The story of King David: genre and interpretation*. Vol. 6. A&C Black, 1978.
36. Jassen, Alex P. "Prophets and Prophecy in the Qumran Community." *ajs Review* 32, no. 2 (2008): 299-334.
37. Kolberg, Bruno. "Redating the Hebrew Kings." Alexandra Hills, Brisbane. Australia. (2010).
38. McCarter Jr, P. Kyle. "The Historical David." *Union Seminary Review* 40, no. 2 (1986): 117-129.
39. McKenzie, Steven L. *King David: a biography*. Oxford University Press, 2000.
40. Ramantswana, Hulisani. "David of the Psalters: MT Psalter, LXX Psalter and 11QPs^a Psalter." *Old Testament Essays* 24, no. 2 (2011): 431-463.
41. Slavicek, Louise Chipley. *King David*. Infobase Publishing, 2009.
42. Smith, JM Powis. "The Character of King David." *Journal of Biblical Literature* (1933): 1-11.
43. Wright, Jacob L. *David, King of Israel, and Caleb in Biblical Memory*. Cambridge University Press, 2014.